

بسم الله الرحمن الرحيم

واقعیت تنش‌ها میان آمریکا و ایران در منطقه از چه قرار است؟

(ترجمه)

پرسش

امریکا ناگهان اعلام نمود که نیروها و منافع‌اش در خلیج توسط خطرهایی تهدید می‌شود که مصدر آن ایران و گروه‌های وابسته به آن می‌باشد؛ بناءً میزان آماده‌باش نیروهایش را بلند برد و ناب هواپیمابر و کشتی‌های نظامی‌اش و حتی شفاخانه سیار بحری را به منطقه فرستاد که نشانه‌هایی از وقوع رویارویی در خلیج می‌باشد. این آماده‌باش همزمان با پایان دادن آمریکا به سیاست معافیت دولتی‌هایی شده که هنوز نفت ایران را وارد می‌کنند تا به این ترتیب صادرات نفت ایران را به صفر رساند. ایران در واکنش به این اقدامات آمریکا هشدار داده که تنگه هرمز را در برابر صادرات نفت دولت‌های خلیج خواهد بست. این تنش‌ها هنوز سرخط خبرهای منطقه است. پرسش اینست که آیا این منطقه در معرض جنگی قرار دارد که آمریکا دارد برای آن زمینه‌سازی می‌کند و یا هدف چیز دیگری است؟

پاسخ

برای شفاف شدن تصویر واقعیت این تنش‌ها امور زیر را به بررسی می‌گیریم:

1. بلی، تنش‌ها میان دو طرف در منطقه بالاگرفته که فرستادن آمریکا قطعات نظامی بحری، از جمله ناب هواپیمابرش را موسوم به "لینکون"، بزرگ‌ترین هواپیمابری است که آمریکا در اختیار دارد، با 90 فروند طیاره/هواپیمای نظامی از نشانه‌های بالاگرفتن این تنش‌ها می‌باشد. آمریکا هم‌چنین مجموعه‌ای از طیاره‌های "بی 52"ی خویش را به پایگاه‌های نظامی‌اش در منطقه خلیج فرستاده و حالت آماده‌باش را میان نیروهایش در منطقه بلند برده و کارمندان غیرضروری‌اش را از سفارت خویش در بغداد بیرون نموده است. نکته قابل توجه این است که این اقدامات خیلی سریع و همزمان با تهدیدهای صورت می‌گیرد که آمریکا متوجه ایران نموده، چنان‌چه؛ بی بی سی به تاریخ 6 می 2019م در خبری در این زمینه گفت: «ایالات متحده ناب هواپیمابرش را به خاورمیانه فرستاده تا "پیام روشنی برای ایران باشد.» جان بولتن مشاور امنیت ملی آمریکا نیز در اظهاراتی گفت که کشورش این اقدامات را در واکنش به شماری از هشدارها و نشانه‌های روبه‌افزایش و نگران‌کننده روی دست گرفته.

آژانس خبری رویترز به نقل از یک مسوول امریکایی که نخواست نامش فاش شود، گفته که فرستادن کشتی‌های جنگی به خلیج پس از منتشرشدن گزارش‌هایی صورت می‌گیرد که از حمله احتمالی به نیروهای امریکایی خبر می‌دهد. بولتن در بیانیه‌ای گفته که آمریکا ناب هواپیمابرش "ابراهام لینکولن" و موشک افگن‌هایش را به منطقه رهبری مرکزی خویش می‌فرستد تا پیام روشنی برای نظام حاکم در ایران باشد که هرگونه حمله به منافع آمریکا و یا هم‌پیمانان آن، با واکنش بی‌رحمانه‌ای مواجه خواهد شد.

ناب هواپیمابر آمریکا عملاً به تاریخ 9 می 2019م وارد کانال سوئیس شد؛ سپس به تاریخ 14 می 2019م به آب‌های بحر عرب رسید و رسانه‌ها با انتشار اخباری اعلام نمودند که آمریکا قصد دارد 120 هزار سرباز به منطقه ارسال نماید؛ چیزی که ترامپ رئیس جمهوری

امریکا آن را رد نمود؛ هرچند باتریک شاناهان سرپرست وزارت دفاع، نقشه آن را در حضور ترامپ مطرح نمود. (منبع: آر تی 14 می 2019م به نقل از نیویورک تایمز) تمام این اقدامات در واکنش به هشدارهای احتمالی ایرانی روی دست گرفته شده. تلویزیون "سی ان ان" به نقل از منابع خویش به تاریخ 7 ماه می جاری گفته بود که نیروهای امریکا معلومات استخباراتی را به دست آورده اند که نشان می دهد ایران قصد دارد موشک های بالستیک کوتاه برد خویش را توسط کشتی های کوچک اش در منطقه خلیج منتشر نماید. (منبع: آر تی 14 می 2019م)

2. آنچه تنش های به وجود آمده را توسط امریکا از حد اظهارات خالی فراتر می برد؛ مشکلاتی است که چهار کشتی تجاری در نزدیکی بندر فجیره امارات با آن مواجه شدند و هم چنین حمله ای که به پایگاه های مهم نفتی سعودی صورت گرفت. جزئیات این حملات قرار ذیل است:

الف) «بر اساس اظهاراتی که وزارت خارجه امارات امروز یکشنبه منتشر نمود؛ چهار کشتی تجاری در نزدیکی آب های اقلیمی امارات، بدون وقوع خسارت های جانی، تخریب گردیدند. این تحولات درحالی صورت می گیرد که فشارهای اختناق آور امریکا بالای ایران پیوسته درحال افزایش است؛ چنانچه حسن روحانی رئیس جمهور ایران قبلاً خود اعتراف نمود که کشورش عملاً با وضعیت دشواری دست و پنجه نرم می کند.» (منبع: میدل ایست آنلاین 12 می 2019م)

ب) «گروه "انصار الله" یمن امروز سه شنبه اعلان نمود که حملاتی را توسط طیاره های بدون سرنشین بالای تأسیسات حیاتی سعودی انجام داده. تلویزیون "المسیره" به نقل از یک منبع نظامی تأکید نمود که هفت فروند طیاره/هواپیمای نظامی به تأسیسات حیاتی سعودی حمله نمودند. منبع یادشده اشاره نموده که این عملیات نظامی گسترده در واکنش به تداوم تجاوز و محاصره مردم مان صورت گرفته است و افزوده که در صورت تداوم بیشتر تجاوز و محاصره ظالمانه، گروه انصار الله آماده است حملات شدیدتر و زنده تری را انجام دهد.» (منبع: آژانس اسپوتنیک روسیه 14 می 2019م)

این دو حادثه باعث شده اظهارات امریکا در مورد تنش های موجود در خلیج جدی تر و نیرومندتر و در تناسب به تنش های مماثل قبلی متفاوت تر به نظر رسد.

3. اما با وجود تمام این تنش هایی به وجود آمده در منطقه خلیج، که خبر از جنگ قریب الوقوع می دهد، اظهارات مسوولین دو طرف؛ امریکا و ایران، تصویر دیگری از این واقعیت نشان داده و بیانگر این است که وقوع جنگ بعید به نظر می رسد؛ از جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- «ترامپ روز پنجشنبه در اظهارات مطبوعاتی در قصر سفید و در پاسخ به پرسشی در مورد این که آیا ایالات متحده قصد جنگ با ایران را دارد، گفت: امیدوارم چنین اتفاقی نیفتد.» (منبع: آر تی 16 می 2019م)

- خبرگزاری رویترز به تاریخ 16 می 2019م به نقل از نانسی پلوسی رئیس مجلس نماینده گان امریکا گفت: «اداره ترامپ در جریان بالاگرفتن تنش های اخیر در خاورمیانه، برای راه اندازی جنگی علیه ایران، از جانب کانگرس مجوز ندارد.» پلوسی به خبرنگاران

گفت: «قرار است اداره حکومت جمهوری خواهان روز پنجشنبه و در جلسه‌ای پشت درهای بسته، افاده‌ای را در خصوص ایران به بزرگان نمایندگان، که به نام گروه هشت یاد می‌شوند، ارائه دهد.

- رویترز هم‌چنین به تاریخ 16 می 2019م به نقل از روزنامه نیویارک تایمز و آن به نقل از مسوولینی در اداره حکومت امریکا که نام‌های‌شان منتشر نگردیده گفته که دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا به باتریک شاناهان سرپرست وزارت دفاع گفته که وی قصد راه‌اندازی جنگ را با ایران ندارد. این روزنامه گفته که رئیس جمهوری این موضوع را صبح روز چهارشنبه به شاناهان ابلاغ نموده است.

- علی خامنه‌ای رهبر ایران در سخنانی گفته که به هیچ‌وجه جنگی با ایالات متحده صورت نخواهد گرفت. آیت الله خامنه‌ای که اظهارات‌اش در رسانه‌های حکومتی ایران و صفحه تویتش منتشر گردید، افزود: «نه ما در پی جنگیم و نه آن‌ها.» (منبع: بی بی سی 14 می 2019م)

- باتریک سرپرست وزارت دفاع امریکا در کنفرانسی مطبوعاتی گفت: «هدف اداره امریکا از استحکام حضور نظامی‌اش در خلیج عرب؛ بازداشتن ایران است و نه پرداختن به جنگی علیه آن. ما در شرف رفتن به جانب جنگ نیستیم.» (منبع: فرانس 24، 22 می 2019م)

این اظهارات مسوولین امریکائی و ایرانی نشان می‌دهد که سروصدهائی را که رسانه‌ها در مورد جنگ بزرگ و قریب‌الوقوع میان امریکا و ایران راه‌اندازی نموده‌اند، آلوده با شک و تردید است. مهم‌ترین این اظهارات؛ اطمینان‌هائی است که رهبر ایران به مردم‌اش داده و گفته که نه ایران و نه امریکا در تلاش جنگ استند، یعنی بر اساس این اظهارات؛ جنگ برای ویرانی ایران و یا ویرانی کشتی‌های امریکا در خلیج کاملاً بعید است. بیشترین توقعی که می‌رود، اینست که ممکن برخی اقدامات نظامی محدودی به هدف حفظ آبروی دو طرف صورت گیرد. اظهارات مسوولین امریکائی پیوسته نشان می‌دهد که امریکا قصد ندارد نظام ایران را تغییر دهد، چنانچه بولتون مشاور امنیت ملی امریکا گفت: «سیاست ما در پی تغییر نظام ایران نیست؛ بلکه هدف ما این است که نظام را وادار کنیم رفتارش را تغییر دهد.» (منبع: سایت دستور 3 اکتوبر 2018)

4. اینک پرسش این است که دلایل واقعی بالاگرفتن تنش‌ها در منطقه چیست؟ پاسخ این است که با دقت نمودن به اوضاع درخواهیم یافت که سه دلیل عمده وجود دارد:

دلیل اول - بازارهای نفت جهانی: امریکای امروز در مسئله نفت با امریکای یک دهه قبل تفاوت دارد؛ زیرا تکنالوژی استخراج نفت شلی "نفت شلی نفت متعارفی است که از خرده‌سنگ‌های نفت‌زا به دست می‌آید" در آن پیشرفت نموده تا جایی که به امریکا فرصت داده نفت‌اش را صادر نماید؛ در حالی که امریکا خود دولتی وارد کننده نفت است؛ در حدی که یگانه راه‌حل چین برای کاستن از عجز تجاری‌اش با امریکا این شده که واردات نفت خویش از امریکا را افزایش دهد و این درحالی است که امریکا به خرید نفت ارزان از حکام خودفروخته دولت‌های خلیج؛ به ویژه سعودی هم‌چنان ادامه می‌دهد؛ سعودی که پول نفت‌اش در خود امریکا ذخیره می‌شود و حتی در هنگام نیاز خویش هم نمی‌تواند این پول را از بانک‌های امریکا بیرون کشد! طوری که حکومت سعودی به دلیل ذلت حکام‌اش و به دلیل سیاست‌های خبیثانه مالی امریکا پیوسته زیر بارقرضه‌های سنگین‌تر می‌رود؛ اما نمی‌تواند از پول نفت خویش استفاده کند؛ پولی که تنها امریکا از آن بهره می‌برد و بس.

با توجه به این واقعیت، فشارهای امریکا بالای ایران و محروم نمودن آن از صدور نفت به زودی قیمت نفت را در سطح جهانی بالا می‌برد و از این تحول امریکا مستفید می‌شود؛ طوری که افزایش قیمت نفت هزینه تولید نفت سخنگی را کاهش می‌دهد، چنانچه آژانس انرژی جهانی از تحول بی‌سابقه در دیدی که نسبت به عرضه نفت در آینده وجود خواهد داشت، سخن گفته و از توانایی امریکا در جبران کاهش صادرات نفت ایران و وینزویلا صحبت می‌کند: «آژانس انرژی جهانی روز چهارشنبه اظهار نمود که وابسته‌گی جهان در جریان سال جاری به نفت "اوپک" تا حد زیادی کاهش خواهد یافت؛ زیرا تولیدات نفتی امریکا، کاهش صادرات نفت ایران و وینزویلا را جبران خواهد نمود.» (منبع: رویترز 15 می 2019م) همچنین اداره آگاهی انرژی امریکا در هفته جاری گفته که تولید نفت امریکا از تشکیلات اساسی هفتگانه شیلی در ماه جون سال جاری به 8.49 میلیون بشکه در روز خواهد رسید و این میزان جدید و قابل ملاحظه‌ای است که برای آن برنامه‌ریزی شده‌است.» (منبع: رویترز 17 می 2019م) یعنی این که شرکت‌های نفت امریکا در هماهنگی با سیاست ایجاد تنش در خلیج و وادار نمودن ایران به کاهش تولید نفت از طریق تحریم‌ها، سعی دارند حجم تولید نفت خویش را افزایش دهند.

مهم‌تر از همه در این مورد؛ این است که قیمت نفت همزمان با توجیه تنش‌های امریکا برای تخریب نفت‌کش‌ها و تأسیسات نفتی بالا می‌رود. «قراردادهای آتی "نوعی قرار دادی است که بر اساس آن فروشنده توافق می‌کند تا در سر رسید معین مقدار معینی از کالای مشخص را در عوض قیمتی که اکنون تعیین می‌کند، به خریدار تحویل می‌دهد.» روز چهارشنبه و در پیوند به احتمال افزایش تنش‌ها در خاورمیانه افزایش داشت؛ افزایشی که به میزان کمک‌های جهانی ضربه خواهد زد و در پیوند به آن؛ ذخایر نفت خام امریکا بدون پیش‌بینی قبلی به گونه قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا نمود. معاملات برنت 53 سنت یعنی 0.7 فیصد افزایش داشت که به 71.77 دلار در هر بشکه می‌رسد. بازار آن روز خرید نفت خام غرب تکزاس امریکا نیز با فروش هر بشکه در برابر 62.02 دلار، یعنی 24 سنت معادل 4/0 فیصد افزایش بسته شد. تکان دیگری که به قیمت نفت وارد گردید، به دلیل این بود که سعودی روز سه‌شنبه اعلام نمود که طیاره/هواپیماهایی بدون سرنشین دو پایگاه پمپ نفتی آن را هدف قرار داده‌اند و این در حالی است که دو روز قبل چند نفت‌کش در نزدیکی امارات هدف قرار گرفته و تخریب گردیدند.» (منبع: رویترز 15 می 2019م)

به این ترتیب روشن می‌شود که هدف امریکا از دامن‌زدن به تنش‌ها با ایران؛ بلند بردن قیمت نفت است؛ زیرا توانایی تولید نفت شیل امریکا در حال حاضر بالا رفته و به هر اندازه که بهای نفت افزایش یابد، شرکت‌های امریکایی به تولید بیشتر نفت شیل روی خواهند آورد؛ نفتی که حجم عظیمی از معادن آن در امریکا وجود دارد. شکی نیست که امریکا این تنش‌ها را به نفع شرکت‌های نفتی خود می‌بیند، به ویژه در سایه طرز تفکر تجاری اداره حکومت ترامپ.

دلیل دوم- امضای توافق‌نامه جدید با ایران، که بر اساس آن امریکا در بازارهای ایران سهم شیر را داشته باشد: پیگیران اوضاع به خوبی می‌دانند که امریکا دارد علناً با ایران بازی می‌کند تا زمینه را برای امضای توافق‌نامه جدیدی فراهم کند؛ توافق‌نامه‌ای که شامل برنامه موشکی و نفوذ ایران در منطقه باشد. چنانچه به گفته منابع آگاه از جزئیات دیدار پامپو وزیر خارجه امریکا در جریان سفرش با عبدالمهدی نخست‌وزیر عراق، «لهجه پامپو کاملاً متفاوت بود؛ درحدی که نخست‌وزیر عراق از آن لهجه بهت زده شد. پامپو از عبدالمهدی خواست نامه‌ای به تهران بفرستد و در آن به ایران خبر دهد که امریکا علاقه‌مند جنگ با ایران نیست و تمام آنچه ترامپ می‌خواهد، این است که توافق‌نامه جدیدی امضاء شود؛ توافق‌نامه‌ای که ترامپ بتواند آن را به خود نسبت

دهد.» (منبع: نون پست 15 می 2019 م به نقل از میدل ایست ای انگلیس) رئیس‌جمهوری آمریکا این هدف خویش را پنهان نمی‌کند؛ «رئیس‌جمهور آمریکا گفته که علاقه‌مند است رهبران ایران به خاطر حل بحران روزافزون به او تماس گیرند و اداره حکومت او به ایران گفته‌اند که در صورت علاقه‌مندی به مذاکرات می‌توانند با حکومت سوئیس به تماس شده و علاقه‌مندی‌شان را ابراز نمایند. رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه گفت: «آنچه آنان باید انجام دهند این است که به تماس گیرند تا برای دستیابی به توافق‌نامه‌ای باهم بنشینیم؛ توافق‌نامه عادلانه. ما قصد آزار و اذیت ایران را نداریم.» وی افزود: «می‌خواهم آنان نیرومند و بزرگ باشند و اقتصاد بزرگ داشته باشند؛ اما برای این کار باید با من در تماس شوند و اگر این کار را بکنند، ما آماده مذاکرات هستیم.» قصر سفید شماره‌تلفونی را از حکومت سوئیس در اختیار ایرانیان گذاشت تا در صورت تمایل تهران به مذاکرات با واشنگتن با این حکومت به تماس شوند؛ زیرا سوئیس نماینده روابط دیپلماتیک میان آمریکا و ایران است. (منبع: CNN عربی 11 می 2019م) شبکه آر تی نیز به تاریخ 15 می 2019م به نقل از رئیس‌جمهوری آمریکا گفته: «من مطمئنم که ایران به زودی علاقه‌مند مذاکرات خواهد شد.» سایت انترنتی ایرانی موسوم به "انتخاب" که وابسته به اصلاح‌گرایان است، در همین سیاق به بررسی اهداف سفر یوسف بن علوی وزیر خارجه عمان به تهران پرداخته و در گزارشی که به تاریخ 21 می 2019م منتشر نموده گفته است: «هدف از این سفر؛ وساطت میان ایالات متحده و ایران، تبادل نظر در مورد موضوع حمله به سفارت آمریکا در بغداد و سایر تحولات منطقه بوده است.» سایت یاده شده می‌افزاید: «یوسف بن علوی در سفرناگهانی‌اش به تهران، نامه‌ای از دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا را با خود حمل می‌نمود» بدون این که جزئیات بیشتری را منتشر نماید.

دلیل سوم- که مهم‌ترین است، تلاش برای ساختن پیمان مشترک میان آمریکا و دولت‌های عربی است که دولت یهود نیز در آن دخیل باشد؛ در برابر ایران و عملی نمودن آن: با در نظر گرفتن مجموع اهداف سیاسی آمریکا در منطقه و موقف‌گیری‌های منطقه‌ای، روشن می‌شود؛ مهم‌ترین دلیلی که آمریکا را برانگیخته تا روابط‌اش با ایران را متشنج و تنش‌ها را دامن زند؛ زمینه‌سازی برای ایجاد چنین پیمانی است که ساختار رسمی و قانونی داشته باشد، یعنی تغییر دادن ماهیت بحران منطقه -قضیه اشغال فلسطین- از تجاوز و اشغال سرزمین مبارک فلسطین توسط دولت یهود به بحران قومی و طائفی با ایران تا به این ترتیب افکار عامه به عوض اهمیت دادن به وجیه جنگیدن علیه رژیم یهود و محو آن و برگرداندن فلسطین به دیار اسلام، به مسائل قومی و نژادی و طائفی اهمیت دهد! به عبارت دیگر؛ زمینه‌سازی برای هضم و پذیرش رژیم یهود در منطقه. این هدفی است که آمریکا و انگلیس در جریان چندین دهه نتوانستند برآورده کنند؛ اما این بار آمریکا می‌خواهد آن را توسط حکام خائن، به ویژه حکام خلیج به آن برسد؛ حکام خائنی که سعی دارند روابط‌شان را با یهود به همان بهانه و استدلال امریکائی "ترس از ایران" عادی و طبیعی سازند.

این هدف در موقف‌گیری دولت یهود به وضوح ملاحظه می‌شود؛ چنانچه نخست‌وزیر این رژیم در دیدارش با فردیمان سفیر آمریکا گفت: «روابط میان ما و بسیاری از همسایه‌گان عرب و بسیاری از دولت‌های اسلامی غیرعرب شکوفایی و رشد جدیدی داشته است.» نتانیاهو افزود: «ما برای قرار گرفتن در برابر تجاوز ایران با هم یکپارچه عمل می‌کنیم.» وی افزود: «دولت اسرائیل و تمام دولت‌های منطقه و تمام دولت‌هایی که خواستار صلح در جهان می‌باشند، موظف اند یکپارچه در کنار ایالات متحده در برابر تجاوز ایران قرار گیرند.» نخست‌وزیر دولت یهود تأکید نمود که نیاز است «توانایی‌ها و پیمانی را که اسرائیل با آمریکا دارد» استحکام و ادامه داده شود. (منبع: آر تی 14 می 2019م)

بناءً قرار گرفتن رژیم یهود با دولت‌های عربی و شاید برخی دولت‌های "اسلامی" غیرعربی در کنار امریکا برای جلوگیری از "تجاوز ایران"، خود روشن می‌سازد که نقشه امریکا برای ایجاد تنش‌های اخیر در اصل برای ایجاد پیمان منطقه‌ای علیه ایران به رهبری امریکا است که رژیم یهود نیز در آن سهم داشته باشد. اظهارات آتشین و حتی بعضی اقدامات نظامی مانند آنچه در الفجیره و تأسیسات ارامکو اتفاق افتاد، همه و همه به هدف زمینه‌سازی و ساختن ناتوی اقلیمی به هدف یاد شده می‌باشد. تلاش‌ها برای تحقق این هدف همچنان ادامه دارد و میزبانی ریاض از نشست مشترک عربی-امریکائی به تاریخ 6 اپریل 2019م با مشارکت قطر از جمله مقدمات این نوع تلاش‌ها به شمار می‌رود که در چارچوب آماده‌گی‌ها برای راه‌اندازی "پیمان استراتژییک خاورمیانه" به پیش برده می‌شود؛ پیمانی که در رسانه‌ها به نام "پیمان عربی" شهرت یافته است. آژانس واس در این مورد گفته: «این نشست با مشارکت هیئتی بلندرتبه از کشورشاهی عربستان، امریکا، امارات متحده عربی، کشور شاهی بحرین، دولت کویت، سلطنت عمان، دولت قطر و کشور شاهی اردن برگزار گردیده است.» آژانس مذکور علاوه نمود: «این نشست یکی از گام‌های مهمی است که در مسیر راه‌اندازی این پیمان برداشته شده؛ پیمانی که هدف اساسی آن؛ تأمین امنیت و استقرار در منطقه و سراسر جهان است.» (منبع: آر تی 10 اپریل 2019م) بناءً روند ساختن این پیمان نظامی به شدت جریان دارد و شادمانی رژیم یهود از هماهنگی‌های امنیتی با دولت‌های عربی و "اسلامی" علیه ایران خود به معنای اینست که این کیان در این پروسه و تعاملات امریکا با حکام خائن مسلمانان سهم و مشارکت دارد؛ اما بدون این که رسماً از آن یاد شود و ممکن است اعلان رسمی این مشارکت تا زمان اعلان نقشه صلح امریکا به تعویق افتاد؛ زیرا نقشه صلح امریکا مهم‌ترین مرحله روند عادی‌سازی روابط حکام خائن با دولت یهود به شمار می‌رود.

خلاصه این که:

1. برانگیختن تنش‌ها و داغ نمودن فضای روابط، مقدمه شروع جنگ فراگیر میان امریکا و ایران نیست؛ بلکه به گمان اغلب هدف اصلی دلایل سه گانه فوق‌الذکر است. اما این بدان معنی نیست که زدوخوردهای محدود و مختصری به هدف حفظ آبروی دو طرف نیز اتفاق نخواهد افتاد؛ زیرا هر دو طرف علیه دیگری غریبه و یک دیگر را تهدید و هشدار داده‌اند.

2. آنچه دردآور است، اینست: باوجود آن که اهداف امریکا از اظهارات و هشدارهای آن به وضوح محسوس است؛ اما حکام سرزمین‌های مان، مخصوصاً حکام منطقه خلیج، پیوسته خودکامه‌گی‌ها و تسلط امریکا را بالای منطقه توجیه می‌کنند؛ انگار چشم و گوش‌شان بسته است و توان درک هیچ واقعیتی را ندارند و به این ترتیب، دنیا و آخرت خویش را از دست می‌دهند. چه راست می‌گوید الله سبحانه و تعالی آنجا که می‌فرماید: ﴿ومن كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى وأضل سبيلاً﴾

19 رمضان 1440هـ.ق

24 می 2019م